

شرط پدر و مادر شوهر برای بخشیدن عروس قاتل

4 آذر 1404

خواندن وصیت نامه مرد جوان در حضور والدینش باعث شد آنها عروسشان را که در یک قدمی چوبه دار بود ببخشند.

به گزارش مادران و دختران به نقل از «ایران»، اردیبهشت سال 1400 زن جوانی با مرکز فوریت‌های پلیسی تماس گرفت و گفت: «من ناخواسته شوهرم را کشتم.»

وقتی تیم جنایی به خانه مورد نظر در طبقه بیستم یک برج رفتند زن جوان در حالی که گریه می‌کرد گفت: «شوهرم می‌خواست مرا خفه کند برای نجات خودم ناخودآگاه مجسمه برنزی که کنار دستم بود را برداشتم و به سرش کوبیدم ولی قصدم فقط نجات خودم بود.»

وی درباره اختلافش با مقتول گفت: «من و شوهرم زندگی خوب و عاشقانه‌ای داشتیم اما این اواخر شریک شوهرم سر او کلاه گذاشت و با چک‌های همسرم کلی اجناس خریده بود. وقتی چک‌های همسرم برگشت خورد گرفتاری ما هم شروع شد.»

او ادامه داد: «روز حادثه یکی دیگر از چک‌های همسرم برگشت خورد و زمانی که داشت شکایت می‌کرد به او گفتم من که قبلاً به تو هشدار داده بودم که شریکت آدم قابل اعتمادی نیست اما تو به حرف‌هایم توجهی نکردی.»

شوهرم از شنیدن حرف‌های من عصبانی‌تر شد و باهم دعوا کردیم. از اینکه او به توصیه‌هایم عمل نکرده و خودش را در چنین مخمصه‌ای گرفتار کرده بود عصبانی بودم و شروع به داد و فریاد کردم. ناگهان شوهرم دستش را روی دهانم گذاشت که صدایم را همسایه‌ها نشنوند. بعد هم گلویم را فشار داد احساس خفگی به من دست داده بود و هر چه تقلا می‌کردم نمی‌توانستم خودم را نجات دهم. ناخودآگاه دستم به مجسمه برنزی که روی میز بود خورد. آن را برداشتم و به سر همسرم ضربه زدم.»

وصیت‌نامه نجاتبخش

با تکمیل تحقیقات در پرونده، زن جوان در دادگاه کیفری محاکمه شد و گفت: «من ناخواسته دست به قتل زدم خیلی پشیمانم و حالا از پدر و مادر شوهرم می‌خواهم که مرا ببخشند.»

در ادامه با توجه به درخواست اولیای دم، قضات دادگاه کیفری رأی بر قصاص زن جوان صادر کردند. با تأیید حکم در دیوانعالی کشور، پرونده برای اجرا به دادسرا ارجاع و جلسات صلح و سازش تشکیل شد تا از اولیای دم رضایت بگیرند اما آنها حاضر به گذشت نبودند تا اینکه در آخرین جلسه‌ای که برگزار شد، زن جوان گفت: «از قضات می‌خواهم که آخرین خواسته مرا اجابت کنند تقاضا دارم وصیت نامه شوهرم را برایم بخوانید.»

وی ادامه داد: «در زمان اپیدمی کرونا، شوهرم به این بیماری مبتلا شد و حالش وخیم بود. او که تصور

می‌کرد از این بیماری جان سالم به در نمی‌برد وصیت‌نامه‌ای نوشت اما از من خواست بعد از مرگش آن را باز کنم. اما چون مرگ او به دست من رقم خورد و خودم هم دستگیر شدم نتوانستم وصیت‌نامه‌اش را بخوانم و به آن عمل کنم.»

به دنبال صحبت‌های زن جوان، به دستور قاضی اجرای احکام، وصیت‌نامه مقتول در حضور خانواده و همسرش باز و خوانده شد. مرد جوان خواسته بود که هزینه خرج و مخارج مراسم سوگواری او و یک سوم از اموالش صرف امور خیریه شود. هم چنین در وصیت‌نامه‌اش از همسرش به خاطر مراقبت‌های ویژه‌ای که در دوران کرونا از او کرده در حالی که احتمال داشت خودش هم مبتلا شود قدردانی و یک سوم اموالش را به صورت قانونی به نام همسرش کرده بود.

پس از خواندن وصیت‌نامه، پدر و مادر مقتول که متوجه رضایت و قدردانی پسرشان از همسرش شده بودند به یک شرط زن جوان را بخشیدند. آنها اعلام کردند عروسشان را به حرمت حضرت فاطمه(س) می‌بخشند اما زن جوان باید به نیت پنج تن آل عبا، برای 5 عروس نیازمند جهیزیه تهیه کند. با قبول این شرط از سوی عروس زندانی وی بزودی آزاد خواهد شد.